تلخ اما واقعی

مهدی جابری

عکس: امیر رحمی- ایران

انتهای کهریزک، بلوار مرحوم دکتر حکیم‌زاده، خانه سالمندان کهریزک؛ آری! زندگی همین جاست! تو کجایی؟!

از زبان سالمندان

به محوطهٔ آسایشگاه که وارد می‌شوی، جوان‌های دیروز را می‌بینی که کوله بار تجربه پشت آنها را خم کرده است. نگاهشان به دور دست‌ها است، شاید دستی از دور، دستگیر آنها باشد.

مادری که سیاهی موهایش را فدای سفیدبختی فرزندانش کرده است، ولی بچه هایش را نمی‌شناسد و در حقیقت، بچه هایش او را نمی‌شناسند، می‌گوید: بچه هایم را با زحمت بزرگ کردم ولی آنها... قرار بود یادختم زندگی کنم که او هم به من گفت مادر! شما باید به کهریزک بروی! من هم غرور داشتم و نمی خواستم سربار زندگی او باشم. می خواهم آنها را فراموش کنم و خودم هم دوست ندارم به جوانی باز گردم.

کمی آن طرف‌تر، در داخل آسایشگاه، ربابه نشسته است. بالای سر او، عکس کودکی روی دیوار به چشم می‌خورد و چه تقابل غمگینی؛ کودک و سالمند! او می گوید: بیش از ۱۰ سال است که فامیل هایم مرا آورده اند اینجا، یک دختر دارم که پس از ازدواج به شهرستان رفته است و هنوز خبری از من ندارد و اصلا نمی داند که من اینجا هستم. شاید هم می داند، چون او با فامیل هایش در ارتباط است! اگر دخترم دنبال من بیاید، حتما با او می‌روم! البته اگر مزاحمش نباشم. چون او را دوست دارم.

در حالی که اشک هایش خاطرات او را خیس می کند، از او می پرسم: آیا برای دخترت دعا می کنی؟ می گوید: خب! من تنه او هستم! باید دعا کنم.

کمی دورتر، مادر با احساسی است که یک طرف بدنش را حس نمی کند. می گوید: شوهرم فوت کرده است و من هم سکته کرده ام. بچه هایم خانه ام را فروختند و مرا دربه در کردند. این جا را بیشتر از خانه بچه هایم دوست دارم.

دورتر از آسایشگاه مادران که با دعایشان ملاقات کنندگان شان را بدرقه می کنند، آسایشگاه پدران است. مردی ۵۰ ساله که عمری چرخ زندگی خانواده اش را حرکت می داده است، اکنون خود روی چرخ نشسته و همسرش او را کنار ما می آورد. از او می پرسم: چند تا بچه داری؟ ۲ تا. آیا آنها را دوست داری؟ او که به سختی می تواند صحبت کند، در برابر این سؤال فقط گریه می کند. می گوید: همسرم می خواهد از من جدا شود. همسرش در جواب او می گوید: ۱۸ سال با او زندگی کرده ام، ۲ سال است که معلول شده و من نمی توانم مخارج او را تأمین کنم. اجاره خانه می دهم و ۲ تا بچه را هم سرپرستی می کنم. بیشتر از این نمی توانم.

پدری ۸۰ ساله که ۵ فرزند مجرد دارد، می گوید: بچه هایم الآن در خانه خودم هستند ولی مرا میان خودشان راه نمی دهند. از نظر جسمی هم کاملاً سالم هستم. بچه هایم را خیلی دوست دارم، اگر بخواهند با آنها زندگی می کنم!

استعدادهای خفته

شاید ما آنها را فراموش کنیم، ولی آنها خودشان را فراموش نمی کنند.

نصیب می گوید: من در اینجا خودم را پیدا کردم، دیگران را پیدا کردم. حتی خدا را هم در اینجا یافتم! او که در مدت اقامت خود در آسایشگاه، اشعار فراوانی سروده، تخصص اصلی اش سنگ کاری است و می گوید که حتی در طرح سنگ کاری حرم امام رضا(ع) شرکت داشته است.

وی می گوید: من در اینجا آواز می خوانم، تمرین دف دارم و در نقش فردوسی اجرای نقش می کنم.

نصیب که از همه فرزندان خود راضی است، تنها علت اقامت خود در آسایشگاه را غرور سالمندی خویش می داند و حال یک بیت از او:

ما در این جا به امید گذر دوست خوشیم
تا شود شمع رخش، روشنی محفل ما

آقای هدایت زاده که ۷۰ سال دارد و سابقه اقامت او در آسایشگاه به ۱۰ سال می رسد، خود را نویسنده کتاب و نمایشنامه معرفی می کند و می گوید: من با یکی از انتشارات معتبر همکاری داشتم و کتاب های خود را از این طریق به چاپ می رساندم. وی خود را نویسنده ۱۰ عنوان کتاب و نمایشنامه می داند که از این میان، کتاب های سرپوش سربی و توفاقی (نام پرنده) و نمایشنامه آن ها که زنده اند؛ از آثار اوست. البته در میان این سالمندان، افراد متخصص دیگری نیز وجود دارند که در میان آنها خلبان، روزنامه نگار، نقاش و کشاورز هم به چشم می خورد.

از زبان کارشناسان

محسن پزشکی، مدیر روابط عمومی آسایشگاه خیریه کهریزک، آمار سالمندان این آسایشگاه را بیش از ۱۲۰۰ نفر عنوان می کند. وی مهمترین مشکل خانواده های این سالمندان را برای نگهداری والدین، گرفتار بودن آنها می داند. پزشکی معتقد است که این سالمندان با توجه به شرایط حاکم بر خانواده و نیز با نظر به خدماتی که به آنها ارائه می شود، محیط آسایشگاه را ترجیح می دهند.

فاطمه فتوحی، مددکار اجتماعی می گوید: سالمندانی را که به خانه سالمندان منتقل می شوند، می توان به سه دسته تقسیم کرد: اول سالمندانی که محیط خانوادگی آنها عاطفی نبوده است و از سوی فرزندان طرد شده اند. این گونه افراد معمولاً ملاقات کننده کمتری دارند و یا اصلاً ندارند و به هیچ وجه حاضر نیستند به خانه باز گردند و حتی به مرخصی هم نمی روند.

فتوحی دسته دوم سالمندان را افرادی می داند که دارای خانواده های عاطفی بوده اند که به علت مشکلات مالی و دسترسی نداشتن به امکانات، به آسایشگاه ها سپرده می شوند. این مددکار اجتماعی معتقد است که این گونه افراد و فرزندان آنها در کوتاه مدت دچار یأس و نا امیدی می شوند. وی دسته سوم را سالمندان بی جا و مکان معرفی می کند که کسی را هم نمی شناسند و در بعضی موارد هیچ گونه هویت و کارت شناسایی هم ندارند. به اعتقاد او، این افراد از حضور خود در آسایشگاه ها راضی اند و اینجا را خانه خود می دانند.

مریم قلهکی، کارشناس روان شناسی، معتقد است که سالمندان آسایشگاه ها اغلب فرزندانی مستأصل، معتاد، بیکار و فراری دارند. به اعتقاد او عوامل مختلفی موجب طرد شدن سالمندان از سوی فرزندانشان می شود که می توان به اشتغال و ازدواج فرزندان، مخالفت افراد خانواده همچون داماد و یا عروس برای نگهداری از سالمند، کمبود فضا و مکان برای رسیدگی به سالمند و مشکلات مالی اشاره کرد.

قلهکی علاوه بر موارد بالا، مغذب بودن فرد سالمند، غرور او و یا پی کسی وی را از علت های روی آوردن سالمندان به آسایشگاه ها می داند.

در این میان، نکته قابل تأمل و توجه این است که برخی از سالمندان با شرایط روحی و روانی کاملاً مناسب و سالم به آسایشگاه ها منتقل می شوند ولی پس از مدتی بیماری های مختلف روحی و روانی به سراغ آنها می آید.

فتوحی با تأیید این مطلب می گوید: بویژه اگر سالمند فردی آگاه باشد، دلشکسته می شود و از بعد عاطفی آسیب می بیند. این گونه افراد با این تصور که افرادی بی فایده، سربار و ناتوان اند، دچار مشکلات روحی و روانی می شوند.

به نظر می رسد سرگرم شدن سالمندان و استفاده از توانایی های آنها (حتی به میزان اندک) مانع برخی ضربه های روحی به آنها است و روحیه اعتماد به نفس و ارزش نهادن به خویشتن را در آنان تقویت می کند.

محسن پزشکی در این باره می گوید: در واحد فرهنگی آسایشگاه کهریزک، از استعدادهای سالمندان همچون نقاشی، آواز خوانی و موسیقی استفاده می شود. برخی از سالمندان هم که در زبان انگلیسی تخصص دارند، در واحد ترجمه آسایشگاه مشغول به کارند.

به اعتقاد وی، شرکت سالمندان در کارگاه های توان بخشی با توجه به توان جسمی آنها، آنان را در خود باوری و شکوفا شدن استعدادهایشان کمک می کند.

از زبان فرزندان

با وجود پیگیری های بسیار و همکاری مسئولان آسایشگاه، برای ارتباط با فرزندانی که والدین خود را به خانه سالمندان سپرده اند، توفیقی نیافتیم و تنها توانستیم با دو خانواده در این باره صحبت کنیم.

علت دسترسی نداشتن به فرزندان این سالمندان را می توان این چنین بر شمرد: برخی از افراد پس از اطمینان از انتقال والدین شان به آسایشگاه، هیچ نشان و آدرسی از خود به جای نمی گذارند. برخی افراد هم از طریق رابط با والدین شان در آسایشگاه ارتباط دارند و دسترسی مستقیم به آنها محال است. برخی از افراد هم نشانی اشتباه از خود به جای می گذارند که در تهیه این گزارش، با تمامی این موارد روبه رو شدیم.

یکی از فرزندان که ۶ سال پیش پدر خود را به آسایشگاه سپرده است، علت این کار را عصبی بودن پدرش می داند. او می گوید: ما ۶ خواهر هستیم که برادر نداریم. خواهران دیگرم حاضر نیستند پدرم را نگهداری کنند. من هم برای نگهداری از پدرم، با شوهرم درگیر شدم و اختلاف خانوادگی داریم.

این فرد معتقد است که پدرش در آسایشگاه راحت تر است، چون از منت بچه هایش به دور خواهد بود.

او می گوید: اوایل هر هفته به پدرم سر می زدم، ولی الآن اصلاً فرصت ندارم. خواهرهایم نیز هنوز به دیدار او نرفته اند.

وی در ادامه می گوید: پدرم تاجر بود. ما در ناز و نعمت بزرگ شدیم. او اصلاً فکرش را هم نمی کرد که ما با او این گونه رفتار کنیم. وی در جواب این سؤال ما که آیا دوست داری بچه هایت، همین رفتار را با شما داشته باشند، فقط سکوت کرد! و وقتی از او پرسیدیم که سرنوشت پدرت چه خواهد بود؟ گفت: او هیچ وقت به خانه باز نمی گردد!

برخی از افراد پس از اطمینان از انتقال والدین‌شان به آسایشگاه، هیچ نشان و آدرسی از خود به جای نمی گذارند. برخی افراد هم از طریق رابط با والدین‌شان در آسایشگاه ارتباط دارند و دسترسی مستقیم به آنها محال است. برخی از افراد هم نشانی اشتباه از خود به جای می‌گذارند که در تهیه این گزارش، با تمامی این موارد روبه‌رو شدیم

سرنوشت

شاید به جز سالمندان آسایشگاه، هیچ کس به عمق واژه سرنوشت پی نبرد و سرنوشت آنها حقیقت تلخی است که باز هم فقط خودشان قدرت رویارویی با آن را دارند.

«رجبعلی ج» که هیچ اطلاعی از فرزندانش ندارد، می گوید: نمی دانم کدام روز؟ کجا؟ در کدام گوشه؟ روی کدام تخت؟

«حسین م.» که فرزندانش هرگز به دیدار او نرفتند، می گوید: شیشه نازک تنهایی می خیلی بی صدا خواهد شکست!

به یک مادر سالمند گفتم: مادر! سرنوشت؟! نگاهی به آسمان کرد، آهی کشید و گفت:

غروب، در نفس گرم جاده خواهم رفت
پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت!

هرچند مسئولان و دست اندرکاران آسایشگاه ها از رفاه و آسایش سالمندان خبر می دهند و از هزینه شدن بودجه های میلیاردی برای آنها سخن می گویند، با این حال، وضع موجود گویای حقیقتی دیگر است که این ادعاها را تأیید نمی کند. سالمندان بسیاری هستند که ترجیح می دهند به جای وعده های غذایی، فقط نان خالی و یا بیسکویت بخورند. بدن آنها قدرت جذب و هضم برنج شیشه ای را ندارد. آنان خوردن غذاهای چند روزه (به قول خودشان) را تاب نمی آورند؛ غذاهایی که برای چندمین بار گرم می شود.

آنها می خواهند بدانند که آیا بودجه های چند میلیاردی، صرف هزینه های کارکنان (حقوق، وام و...) می شود و یا فقط به خود سالمندان اختصاص دارد.

آیا این بودجه ها ارتفاع ساختمان های تجاری وابسته به این آسایشگاه ها را بالا می برد و یا این که دو رنج سالمندان را عمیق تر می کند.

یک جدول با دو شرح ۳۵۹۵

جدول روزنامه ایران دارای دو شرح «عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دوشرح ابتدا یکی از شرحها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- از شاعران معروف عصر سامانی و خالق گشتاسب نامه - محرر و نویسنده
۲- اشاره به کسی که نخواهند اسمش را ببرند - سمت چپ - آسیای کوچک دستی
۳- در به در و آشفته - برد معروف - پوشاک گشاد بی آستین که روی لباس به دوش می اندازند
۴- نوعی شیمی - همسر زن - اخموو ترشرو - قورباغه درختی
۵- بانگ بلند - پدر آذری - آلودگی، حاجت و نیاز
۶- اراده - اشرف مخلوقات - خانه های ریز روی عکس
۷- پوچ و تهی - اسب سرکش - رود بوگسلاوی
۸- کلمه تصدیق - کمربند یا حمایل چرمی که در خانه های آن قشنگ جا بدهند - جوانمرد
۹- آماج و هدف - محبوب و معشوق - خدای بزرگ
۱۰- غذای چرب - گوهر یکتا - نور کم
۱۱- آینده - دریاچه حمام - ناشایست شرعی
۱۲- رمزینه - کسی که وقایع جهان را ثبت و ضبط کند - سمت و طرف - تنگدستی و سختی
۱۳- مقابل زوج - نعمت باریدنی - مخلوقات
۱۴- در این مکان - رودکارها !- تألیف کننده
۱۵- زبان تازی - محقق، مصحح و مقاله نویس معاصر ایرانی (۱۳۵۵-۱۲۸۲ ه.ش)

عمودی:

۱- تیمارستان - نوعی ماهی خوراکی که بیشتر از دریای خزر صید می شود
۲- گوینده، سخنگو - موزیک نظامی - از انبیای بنی اسرائیل
۳- فرمان مغولی - پستی و فرومایگی - قله فارس
۴- مجموع نیروهای نظامی و انتظامی و سپاه - عقیده - باد خنک - با پری می آید
۵- شهری در استان اردبیل - درک کردن، دانستن - بیماری همه گیر نواحی گرمسیر آسیایی
۶- نت سوم - دهکده - قلعه و حصار
۷- نوشته ای که به کسی پس از تحویل چیزی بدهند - لوله گیاهی - بیرون کردن
۸- بدهی و قرض - هورمون کاهش دهنده قند خون - پیروان یک دین
۹- کشاورزی - خویشی و بستگی - از جهات اصلی
۱۰- گیاه شیرین - طبع و ذوق - شهر رازی
۱۱- موجود خیالی - صف و ردیف - آراسته و منظم
۱۲- خاک صنعتی - بی خبر از پیاده - قیمت و ارزش - سنگ انداز
۱۳- از عناصر اربعه - زن گندمگون - دستیار، کمک کننده
۱۴- تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم ... است - میوه کال - انبار گندم
۱۵- مرام و عقیده - عکاسی با ریون ایکس از اعضای بدن

جدول ویژه

افقی:

۱- راسته ای از آبزیان شکاری دارای سر مشخص و نوک تیز - آبی که در زمستان به مزارع می دهند
۲- سالک - فروتن - زن همنشین
۳- هر چیز گرد و به هم پیچیده - کاسه سر - سود حرام
۴- اسب سرخ - اندیشه - هر یک از اسباب ها - واحد سطح
۵- یگانه - نوعی صندلی راحتی - دروازه
۶- حرف نفی - زبان فارسی دوره اشکانی و ساسانی - پاداش عمل خیر
۷- صحرانشین - خانه ها - قابل اشتغال
۸- کلرا - نقش زینتی بر روی فلز یا سنگ گرانبها که معمولاً به گردن یا به جامه می آویزند - جمله قرآنی
۹- ردیاب - آنچه غیبرواقعی و شگفت انگیز به نظر آید - ویران
۱۰- سرب سوخته - سرلشکر فرنگی - دیروز
۱۱- با «مرج» می آید - مکان - جای نشستن مرشد در زورخانه
۱۲- رمق - از بستگان مادری - پدربزرگ - پدر آذری
۱۳- جعبه رو باز جاسازی شده در داخل یک قفسه - به آرامی و به کندی - بزرگترین سیاره منظومه شمسی
۱۴- نوعی نیم‌تنه گرم که روی جامه های دیگر می پوشند - عنوانی احترام آمیز برای بزرگان - آهنگ
۱۵- وراج - نخستین اثر لیلین هلمن بانوی درام نویس آمریکایی (روباه های کوچک)

عمودی:

۱- از بازیگران فیلم سینمایی سگ پشمالو محصول ۲۰۰۶ (دیگر بازیگران: تیم رابینز و دنی گلاور) - پیوند زناشویی
۲- اول هر چیز - سخندانان - صیقل زدن تصویر با قلم
۳- بزرگی و ریاست - ناگزیر به انجام کاری - سوی دیگر
۴- بیم - رونوشت از نوشته - ترکیب حروف قدیم عربی - قسمتی از دست
۵- چرخه زمانی از شنبه تا جمعه - نزاع - ضمیر عربی
۶- برادر - تن و پیکر - سنگسار شده
۷- همسر ابراهیم(ع) - حالتی در زنان آبستن - در این مکان
۸- سنگی قیمتی معمولاً به رنگ سبز تیره متشکل از سیلیکات طبیعی کلسیم، منیزیوم و آلومینیوم - ماهیچه شناسی - بازداشتن
۹- شگفتی - کافئین حاصل از برگ چای - نکته ها
۱۰- از اشکال هندسی - رسیدگی کردن - وزغ
۱۱- تصدیق بی ادب - دریاچه ترکیه - بی صدا و ساکت
۱۲- پسوند نسبت - پایداری - جاودانگی، بهشت - خوشحال
۱۳- پاسخ منفی - مژده دادن - ارث
۱۴- وسایل - فراوان و بسیار - قهوه خانه فرنگی
۱۵- دوران شکوفایی - اثری از رونالد داونینگ انگلیسی

حل جدول عادی شماره ۳۵۹۴

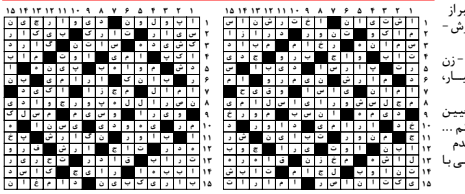

حل جدول ویژه شماره ۳۵۹۴

(فرآورده های نفتی سرمایه ملی است)

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران
شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

آگهی مزایده و فروش

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران در نظر دارد ساختمان ملکی خود واقع در تهران به نشانی خیابان طالقانی، خیابان ایرانشهر شمالی، روبروی ساختمان طرح ترافیک، شماره ۱۳۸ با مشخصات ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. لذا متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات و دریافت فرم شرایط شرکت در مزایده و بازدید از محل‌های مذکور، از تاریخ انتشار آگهی تا دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ در وقت اداری از ساعت ۹ صبح تا ۱۴ به نشانی تهران خیابان بهار، نبش سمیه، شماره ۴۰، طبقه اول، دفتر خدمات اداری و اجتماعی مراجعه و یا با تلفن شماره ۷۷۵۰۶۸۰۰ تماس حاصل فرمایند و پیشنهادهای خود را حداکثر تا ساعت ۱۲ ظهر روز ۱۳۸۶/۲/۲۲ با اخذ رسید تحویل فرمایند. زمان بازگشایی پاکتها رأس ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳۸۶/۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان حافظ، نرسیده به خیابان طالقانی، خیابان رودسر، شماره ۸۶، واحد کمیسیون مناقصات می‌باشد (حضور پیشنهاددهندگان در جلسه مزایده بلامانع است).

ردیف	موقعیت محل ساختمان	امیان	پلاک ثبتی	قیمت پایه مزایده
۱	واحد تجاری طبقه همکف	۱۰۴/۸۴	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۷/۳۳۸/۰۰۰/۰۰۰
۲	واحد اداری طبقه همکف	۱۳۶/۰۲	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۱۵۶/۰۰۰/۰۰۰
۳	واحد اداری شرقی- طبقه اول	۱۴۱/۳۲	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	واحد اداری غربی- طبقه اول	۱۴۳/۶۲	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۲۵۷/۰۰۰/۰۰۰
۵	واحد اداری شرقی- طبقه دوم	۱۴۶/۵۷	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۳۶۳/۰۰۰/۰۰۰
۶	واحد اداری غربی- طبقه دوم	۱۴۳/۶۲	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۲۶۴/۰۰۰/۰۰۰
۷	واحد اداری شرقی- طبقه سوم	۱۴۶/۵۷	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۳۷۸/۰۰۰/۰۰۰
۸	واحد اداری غربی- طبقه سوم	۱۴۳/۶۲	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۲۷۱/۰۰۰/۰۰۰
۹	واحد اداری شرقی- طبقه چهارم	۱۴۶/۵۷	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۳۹۲/۰۰۰/۰۰۰
۱۰	واحد اداری غربی- طبقه چهارم	۱۴۳/۶۲	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۲۷۸/۰۰۰/۰۰۰
۱۱	واحد اداری شرقی- طبقه پنجم	۱۴۶/۵۷	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۳۹۲/۰۰۰/۰۰۰
۱۲	واحد اداری غربی- طبقه پنجم	۱۴۳/۶۲	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۲۷۸/۰۰۰/۰۰۰
۱۳	واحد اداری شرقی- طبقه ششم	۱۴۶/۵۷	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۳۶۳/۰۰۰/۰۰۰
۱۴	واحد اداری غربی- طبقه ششم	۱۴۳/۶۲	۳۴۷۹/۵۴ بخش ۳ تهران	۱/۲۷۸/۰۰۰/۰۰۰

۱- عرصه کل به مساحت ۳۶۵ متر مربع می باشد.
۲- کاربری ساختمان اداری- تجاری می باشد.

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

۱۲/۱۳۸۵

(درست مصرف کنیم تا همیشه مصرف کنیم)